

آن کتابست که محمد منیف آنرا برای میرزا چلبی بن سلطان محمد منظوم ساخته است . ۲۱۰ - منظومه در عروض اشعار درموزه بریتانیا در جزء مجموعه رساله بسیار کوچکی شامل دو ورق هست منسوب برشید و طواط و ابتدای مقدمه آن چنین است «الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه اما بعد این کتاب عروض اشعار است که مولانا عالم فاضل استاد الشعرا رشیدالدین محمد بن علی (۲) الوطواط نوشته و نظر کرده» و قطعه اول آن چنین شروع میشود ، دو بحر هزج سالم :

هزج را اگر تمام ارکان همی خواهی از او مگذر

بگیر این قطعه را یادو بکن این وزن را از بر

و این رساله شامل شانزده بحر از بحور عروضی معمول شعرای فارسی

زبان است (۱)

### کتاب حدائق السحر

شاهکار جاوید رشیدالدین و طواط یعنی کتابی که نام او را در تاریخ ادبیات ایران میخورد کرده و در عموم ممالک فارسی زبان او را مشهور نموده است همین کتاب حاضر یعنی حدائق السحر فی دقائق الشعر است که رشید آنرا در علم بدیع و صنایع شعری بمعارضه کتاب ترجمان البلاغه تألیف شاعر از رک ابوالحسن علی سیستانی متخصص به فروخی پرداخته .

علم بدیع نیز مثل بسیاری دیگر از شعب فنون ادبی از علوم مختصه زبان عربی است و غیر از بعضی صنایع معنویه آن مثل تشبیه و استعاره و غیره که برای اهل هر لغتی طبیعی و جز ذات هر زبان و طبیعت هر انسانست بقیه مخصوصا صنایع لفظیه آن از قبیل سجع و ترصیع و تجنیس و غیره اول مرتبه در زبان عربی مورد

توجه قرار گرفته بخصوص که این زبان بمناسبت وسعت دائره لغت و کثرت الفاظ مترادفه بسهولت تمام زمینه برای اینکار فراهم دارد.

برای زبان فارسی که زبان آریائی است و از بسیاری جهات اختلاف فاحش با لغت عربی دارد اتخاذ قسمت عمده صنایع بدیعی لابد باید تقلیدی باشد و امری که کار این تقلید را سهلتر کرده وارد شدن عده بی شمار لغات عربی در این زبان بوده است. گویندگان ایرانی بعد از اسلام وقتیکه خواستند بفارسی شعر بگویند چون هیچگونه سرمشقی در مقابل نداشتند ناچار بتقلید اسلوب شعر عربی و سبکهای معمول شعرای آن لسان شروع بسرودن اشعار کردند و احساسات و عواطف خود را در غالب اوزان عروضی عرب ریختند.

بکنفر شاعر فارسی زبان بعد از اسلام بدون داشتن سواد کامل عربی و حفظ و مطالعه اشعار گویندگان تازی زبان نمیتوانست بزبان ایرانی خود شعر بگوید. همین حال اجبار و حس تقلید که از خواص ذات انسانی است گویندگان ایرانیرا بتقلید اسالیب عرب و آوردن علوم ادبی بلباس فارسی واداشت و اگر چه در ابتدا این کار بتقلید صرف شروع شده بود ولی بعدها دست تصرف استادان ایرانی در بسیاری موارد تغییراتی وارد کرد و بالنتیجه تکمیلات زیاد در این فن نیز مثل فنون دیگر راه یافت.

اول کسیکه علم بدیم را برای زبان عربی مدون کرده **ابوالعباس عبدالله بن المعتز عباسی** (۲۴۷ - ۲۹۶) است که کتابی در فن بدیم بتاریخ سال ۲۷۴ نوشت (۱) و صنایعی را که شعرای قبل از او در اشعار خود باقتضای طبیعت لغت و شعر بکار میبردند و اسم مخصوصی نیز بانها نمیدادند جمع آوری

(۱) کتاب الاوائل لابی هلال المسکری نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس بنشانه

نمود • بعد از او از طرف سایر ادبا نیز صنایع دیگری بر آنچه ابن المعتز استخراج کرده بود افزوده شد و علم بدیع که ابتدا ذیل علوم معانی و بیان بشمار میرفت بصورت فنی علیحده درآمد مخصوصا وقتی کار بدست ادبای بی ذوق و متکلفین خالی از قریحه و سلیقه افتاد ایشان در این مرحله بتفنن و تصنع پرداختند و از جنس صنایع لفظی بخیال خود صنعتهایی درست کردند که بهترین معرف خشک مغزی و اعوجاج طریقه ایشانست و میفهماند که اینگونه مردم که از بدبختی در عموم دوره ها وجود داشته اند بقدری از مرحله پرت بوده که معنی، یعنی ماده اصلی کلام را فدای الفاظ نهی کرده اند و ندانسته اند که اساسا بهترین الفاظ و زیباترین صنایع از لفظ یا صنعتی است که مثل جسم لطیف شفاف بدون هیچ گونه مانع و بی کمک وسیله صورت معنی را بنمایاند و خواننده یا شنونده را آنچنان مجذوب و فریفته معنی کند که اصلا متوجه وجود الفاظ نشود تا چه رسد که نا همواری لفظ و بی مغزی آن وقت را بیوده تلمذ کند و او را بیشتر بر سبکباری مؤلفین اینگونه کلمات معتقد نماید.

باری فن بدیم هم در قرون اولیه شروع شعر فارسی کم کم طرف توجه شعرای همزبان رودکی و شهید و دقیقی گردید و ادبای قسمت شرقی مملکت ما که شعر فارسی دری از آنجا شروع شده بود بخیال افتادند که در این فن هم کتابی فراهم آورند و محاسن شعری عربی را بر سخن منظوم فارسی نیز تطبیق کنند :

از ترائن چنین معلوم میشود که در اواخر عهد سامانیان و اوایل دولت آل سبکتکین شعرای فارسی زبان بعلم بدیع توجه خاصی پیدا کرده و شعرهای بدیعی را از جهت آرایش و زینتهای صوری مشابه به قرار میداده اند، عنصری که در سال ۴۳۱ فوت کرده در قصیده میگوید :

نگارهای بازی چو شعرهای بدیع یکبست بر ز موشح دگر بر از تشجیر  
بعلاوه همچنان که از حدائق السحر بر میاید گویندگان پارسی زبان  
برای بعضی از صنایع بدیعی در مقابل اصطلاحات عربی از خود اصطلاحاتی نیز  
وضع کرده بودند مثلاً رد العجز علی الصدر و مطابق و مصدر و لغز را  
چپستان میخوانده اند (۱) و صنعت سؤال و جواب را معتبر میداشته (۲) و  
در تقسیم و مسقط دارای سبک خاصی بوده اند (۳) ابوسعید احمد بن محمود منشوری  
سمرقندی از شعرای عهد سلطان محمود غزنوی اشعار متلون میآفته (۴) و  
قطران که در حدود ۵۰۰ در آذربایجان میزیسته نیز از اولین شعرای فارسی  
زبان است که قصاید مصنوع میساخته (۵) و در گفتههای خود رعایت صنایع بدیعیه  
را میکرده است .

استاد ابوالحسن علی فرخی ( متوفی سال ۴۲۹ ) سخن سرای بزرگ  
سیستانی تا آنجا که ما اطلاع داریم یکی از اول کسانیست که کتابی در محاسن  
شعر فارسی نگاشته و در اشعار خود بعضی از صنایع بدیعیه را بشکلی استادانه  
بکار برده که بر لطف کلام او افزوده شده است .

کتاب فرخی ترجمان البلاغه نام داشته است و چون نسخه آن از بین  
رفته و احدی هم از آن مطلبی نقل نکرده است (۶) معلوم نیست ترتیب تالیف  
و تفصیل و اجمال آن چه صورت داشته و فرخی آنرا چگونه و از روی چه منابعی  
و باسر که ساخته بوده است :

همینقدر میدانیم که رشید الدین وطواط با اینکه در مقدمه حدائق السحر  
صریحاً اسم مؤلف ترجمان البلاغه را نمیبرد آن کتاب را در دست داشته و

(۱) حدائق السحر ص ۱۸ (۲) ایضاً ص ۵۹ (۳) ایضاً ص ۶۳ و ۷۶  
(۴) حدائق السحر ص ۵۵ (۵) ایضاً ص ۹ (۶) راجع بفقرة که دولتشاه مدعی است  
از این کتاب نقل نموده رجوع کنید بحواشی حدائق السحر ص ۱۱۵

حدائق السحر را چنانکه یا قوت میگوید بمعارضه ترجمان البلاغه تالیف فرخی شاعر فارسی زبان ساخته است (۱) و علت اینکه رشید اسم فرخی را نبرده شاید برای هن بوده است که در موقع بیان معایب آن کتاب و انتقاد اشعار آن که شاید بعضی از آنها را فرخی خود برای شاهد مثال ساخته بوده ، بساحت آن شاعر باند سخن که رشید نیز از معتقدین او بوده (۲) اسائه ادب نکرده باشد .

فی الواقع جای نهایت افسوس است که کتاب ترجمان البلاغه فرخی از دست رفته زیرا که علاوه بر مقام بلند این گوینده فصیح در سخن فارسی کتابی که در آن ایام به نثر فارسی آنها از طرف شاعری خوش ذوق و لطیف طبع مثل فرخی نگاشته شده باشد از لحاظ قدمت تاریخی اهمیت فوق العاده داشته و لابد گفته های یکمده از گویندگان عهد سامانی و دوره شروع شعر فارسی را متضمن بوده است و شکی نیست که رشید مقداری از شواهد حدائق السحر را از ترجمان البلاغه فرخی برداشته ولی افسوس که تصریح نکرده و کلمه در باب وضع تالیف و محتویات ترجمان البلاغه نگفته است ، غیر از کتاب ترجمان البلاغه نمیدانم که رشید در تالیف حدائق السحر بکتاب فارسی دیگری نظر داشته و از آن اقتباساتی کرده است یا نه .

در باب اسلوب تالیف این کتاب قریب یقین است که تقلید از کتاب عربی یا فارسی نیست زیرا که رشید از ادبای زبر دست سحر عصر خود بوده و بر ادب ولغت و نظمو نثر عربی و فارسی تسلط تمام داشته ، تالیف چنین کتاب کوچکی برای او چندان امر عظیم بشمار نمیرفته و شاید بیشتر از دوسه هفته

( ۱ ) معجم الادبا ص ۹۱ ج ۷ که در آنجا اشباها بجای فرخی ، فرخی چاپ

شده است ( ۲ ) حدائق السحر ص ۸۷

اوقات خود را صرف انشاء و یافتن امثله و شواهد آن نکرده باشد فقط چون غالباً  
 دو این شعرای عرب و عجم مخصوصاً بزرگان ایشانرا مثل ابو عبادة الولید  
 بن عبیدالبحتری و امیر الحارث بن سعید ابو فراس الحمدانی و ابو الطیب متنبی و امیر  
 ابو القاسم حسن بن احمد عنصری بلخی و امیر الشعراء ابو عبدالله محمد بن عبد  
 الملك معزی نیشابوری و امیر مسعود بن سعد بن سلمان و امیر ابو الحسن  
 علی فرخی سیستانی را مطالعه میکرده و در قرائت، منشآت و مؤلفات فحول اهل  
 ادب مثل رسائل نصر بن حسن مرغینانی و ابو الحسن محمد اهوازی و ابو الفضل  
 احمد بن حسین بدیع الزمان همدانی و صاحب ابو القاسم اسمعیل بن عباد و تالیفات  
 ابو منصور عبد الملك بن محمد ثعالبی نیشابوری و ابو طیب علی بن حسن  
 باخرزی و جلاله زمخشری ممارست مینموده در تالیف حدائق السحر از این  
 دو اوین و رسائل مولفات شواهد بسیار آورده است مخصوصاً قسمت عمده شواهد  
 عربی این کتاب از یتیمه الدهر ثعالبی و ذمیه القصر باخرزی گرفته شده و غیر از  
 این رشید لابد بعضی از کتب معانی و بیان عربی نیز نظر داشته است چنانکه خود  
 او در بعضی موارد مختصر اشاره باین امر مینماید (۱)

در میان شعرای تازی زبان رشید بیش از همه باستادی متنبی و ابو فراس  
 و بحتری معتقد بوده، از متنبی در ۲۱ مورد شاهد میآورد و در تخلصات  
 تازی استاد شعرای عربش می شمارد و او را در این مقام نظیر عنصری میداند  
 در میان شعرای فارسی زبان، (۲) و در مورد صنعت کلام جامع گوید:  
 «متنبی را در این باب ید بیضا و طریقتی زهرا بوده است (۳)» بهمین وجه  
 ابو فراس و بحتری را در هنر شعر سهل و ممتنع در میان شعرای عرب مبرز  
 می شمارد (۴).

(۱) حدائق السحر ص ۸۳

(۲) حدائق السحر ص ۳۲ (۳) ایضاً ص ۳۳ (۴) ایضاً ص ۸۷

در بین گویندگان فارسی وطواط بیش از همه از عنصری شاهد می آورد (در ۱۶ مورد) و در غالب موارد کلام او را در ذیل سخن متنبی نقل می کند و از فحوای گفتار او معلوم است که رشید عنصری را استاد قصیده سرایان و مدیحه گوینان فارسی زبان میدانسته و میگوید: «بیشتر تخلصات عنصری نیکوست و او در این معنی پارسیان را چون متنبی است تازیان را (۱)» بعد از عنصری از شاعر فارسی زبانی که بیشتر شاهد میاورد امیر مسعود بن سعد است (در ۱۰ مورد) و رشید او را هم در صنعت کلام جامع استاد میدانسته و در این باب میگوید: «بیشتر اشعار مسعود سعد سلمان کلام جامع است خاصه آنچ در حبس گفته است و هیچکس از شعرای عجم در این شیوه بگرد آورسند نه در حسن معانی و نه در لطف الفاظ (۲)» بعد از مسعود از امیر الشعراء معزی نیز زیاد شاهد میاورد (۸ مرتبه) و نسبت بسخن امیر ابوالحسن علی فرخی نیز با وجود آنکه کتاب حاضر را بمعارضه ترجمان البلاغه او ساخته نظر خوبی داشته و او را در صنعت سهل و ممتنع در میان شعرای فارسی زبان ممتاز میدانند و بنام فرخ او کتاب حدائق السحر را تمام میکنند (۳).

بر روی هر رشید در حدائق السحر از سی نفر از شعرای فارسی زبان قبل از عهد خود نام میبرد که غالب ایشان مثل رودکی و دقیقی و منطقی و فرخی و معزی و قطران و مسعود و عنصری و زینبی و منوچهری و عسجدی و غضایری و ابوالفرج رونی و اسدی و ناصر خسرو و عمیق و غضایری از مشاهیر شعرای فارسیینند و از بعضی از گویندگان گمنام دیگر هم مثل امیر علی یوزی تکین و انباری و بخورشیدی اسم میبرد که ذکر انها فقط در این کتاب پیدا میشود و از اشعار بلعلاء ششمی و محمد بن عبده که از قدمای گویندگان

(۱) حدائق السحر ص ۳۲، منوچهری میگوید: طائوس مدبج عنصری خواند دراج مسقط منوچهری.

(۲) حدائق السحر ص ۸۲ (۳) حدائق السحر ص ۸۷



فارسی محسوبند و از اولی فقط در فرهنگ اسدی و در يك قطعه از منوچهری و از دومی در چهار مقاله اسمی بمیان میاید نمونه هائی آورده که همبر و لمکی باحیای نام و آثار ایشان است .

از دو نفر از بزرگترین گویندگان فارسی ابدا ذکرى در حدائق السحر نیست یکی از استاد بزرگ طوس فردوسی، دیگر از حکیم عارف سنائی . در باب سنائی چنانکه پیش هم گفتیم معلوم میشود که رشید بکلام او اعتقادى نداشته (۱) ولی در خصوص فردوسی مطلب روشن نیست . از معاصرین خود نیز رشید بهیچوجه شاهدهی نباورده و ذکرى نکرده و با وجود مناسبات و مکاتباتی که با ادیب صابر و خاقانی داشته ابدا از گفته های ایشان بذكر مثالی نپرداخته تاچه رسد بگویندگانی مثل انوری که «عارض او بوده و عبدالواسع جبلی و غیر او از شعرای سنجری . از مداحان سنجر رشید از تنها کسانی که نام میبرد یکی امیرالشعراء معزی است که در ۴۲ ه فوت کرده دیگری عمید کمالی و این دو نفر با امیرالشعرا شهاب الدین عمق بخارائی (متوفی سال ۵۴۳) زمانا آخرین شعرائی هستند که رشید در حدائق السحر از ایشان نام برده است .

بقیه دارد

### مسابقه ادبی

### نکوهش - یاستایش جهان

شاعر معاصر آقای (ملك الشعراى بهار) چندی قبل چکامه با این مطلع (جهان جز که نقش جهاندار نیست جهانرا نکوهش سزاوار نیست) در ستایش جهان منلوم فرمودند و در شماره هشتم مجله ارمغان بطبع رسید . از آنجائیکه اهل فضل و ادب همواره گرفتار کشمکش روزگار و از ساف تا خلف و عرب و عجم پیوسته جهانرا نکوهش کرده اند اکنون درمقام نکوهش برآمده